



بازپس‌گیری آینده

چرا و چگونه باید
پروژه آینده‌سازی دشمنان
برای جمهوری اسلامی ایران
را خنثی کرد؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بازپس‌گیری «آینده»

چرا و چگونه باید پروژه آینده‌سازی دشمنان برای
جمهوری اسلامی ایران را خنثی کرد؟



مرکز مطالعات راهبردی خبرگزاری تسنیم

عنوان تک نگاشت:

بازپس گیری «آینده»

چرا و چگونه باید پروژه آینده سازی دشمنان برای
جمهوری اسلامی ایران را خنثی کرد؟

تاریخ گزارش:

آذر ۱۴۰۴



مقدمه

در آستانه نیم قرن از استقرار جمهوری اسلامی ایران، عملیات شناختی دشمن در میدان آینده‌ستیزی با محوریت گفتمان «فروپاشی» که از یک تحلیل سیاسی به یک «روایت راهبردی» در کارزار جنگ شناختی علیه نظام تبدیل شده؛ ابعاد پیچیده‌تر پیدا کرده‌است. این روایت که از نخستین روزهای انقلاب ۱۳۵۷ توسط برخی نخبگان و دولت‌های غربی مطرح بود، اکنون با ابزارهای نوین رسانه‌ای و در پی تحولات منطقه‌ای، به‌ویژه پس از جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل، به شکلی سازمان‌یافته‌تر در اندیشکده‌ها، رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های فارسی‌زبان بازتولید می‌شود. هدف این جنگ شناختی، تأثیرگذاری بر قوه ادراک نخبگان و افکار عمومی، تضعیف سرمایه اجتماعی و القای حس بن‌بست و بی‌آیندگی در جامعه ایران است.

تحلیل پیش‌رو در پی آن است که این روایت راهبردی را از زوایای مختلف مورد کالبدشکافی قرار دهد. در این راستا، چهار پرسش محوری دنبال خواهد شد تا تصویری جامع از ابعاد این پدیده ارائه گردد.

نخست، سیر تاریخی شکل‌گیری و تطور روایت فروپاشی از ابتدای انقلاب تا امروز بررسی می‌شود تا مشخص گردد این گفتمان چگونه در هر دهه، متناسب با تحولات داخلی و بین‌المللی، خود را بازتعریف کرده است.

دوم، به این پرسش پرداخته می‌شود که بازیگران اصلی و پیش‌برنده این روایت چه کسانی هستند؟ از دولت‌های متخاصم و اندیشکده‌های سیاست‌گذار گرفته تا رسانه‌های برون‌مرزی و گروه‌های اپوزیسیون و حتی برخی جریان‌های سیاسی داخلی ناهمسو و چهره‌های کلیدی وابسته بدانها هریک با چه انگیزه‌ها و کارکردهایی در این میدان نقش‌آفرینی می‌کنند.

پرسش سوم، انگیزه‌های عمیق و لایه‌لایه راهبردی، روانی و اقتصادی پشت این روایت را می‌کاود. هدف آن است که مشخص شود چگونه فروپاشی، از یک سناریوی احتمالی به یک هدف مطلوب برای دشمنان جمهوری اسلامی تبدیل شده و چگونه از آن برای فرسایش انسجام ملی و تضعیف اراده مقاومت ایران بهره‌برداری می‌شود.

و در آخر، پرسش چهارم به تأثیرات بالقوه این روایت بر جامعه، به ویژه نسل جوان و همچنین بر ذهنیت و ساختار تصمیم‌گیری مسئولان نظام می‌پردازد. این تحلیل با هدف درک دقیق مختصات و چارچوب مفهومی روایت فروپاشی، به دنبال آن است که اجزا و هندسه این سلاح در جنگ شناختی را آشکار سازد تا بتوان راهبردهای مؤثرتری برای تضعیف و خنثی‌سازی آن در دو سطح «شناختی» و «عملی» طراحی کرد.

سیر تاریخی روایت فروپاشی از ۱۳۵۷ تا امروز

۴ از روزهای نخست انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی

از همان روزهای اول پیروزی انقلاب، بخش مهمی از نخبگان غربی و متحدان منطقه‌ای آمریکا بر این باور بودند که نظام جدید در تهران عمر طولانی نخواهد داشت. بسیاری از تحلیل‌ها در آن دوره، جمهوری اسلامی را یک نظام گذار تلقی می‌کردند که یا زیر فشار داخلی از هم می‌پاشد یا با کودتای نظامی و بازگشت نیروهای نزدیک به غرب کنار می‌رود. این نگاه در ماجرای اشغال سفارت آمریکا و آغاز جنگ تحمیلی تشدید شد.

در سال‌های جنگ، امید اصلی مخالفان خارجی و بخشی از مخالفان داخلی این بود که فشار نظامی و اقتصادی و سیاسی، انسجام داخلی را از بین ببرد و به اصطلاح «خستگی از جنگ» به فروپاشی نظام بینجامد. اما نتیجه معکوس شد و تجربه دفاع مقدس، سرمایه‌ای از همبستگی اجتماعی و مشروعیت انقلابی برای جمهوری اسلامی تولید کرد که بسیاری از محاسبات اولیه را باطل کرد.

۴ دهه ۷۰ و رؤیای دومینوی لیبرال

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی، کیهان فکری غرب به‌طور طبیعی به‌دنبال تعمیم «مدل فروپاشی از درون» به دیگر نظام‌های ایدئولوژیک بود. ایران برای بسیاری از اندیشکده‌ها و سیاستمداران غربی، نمونه بعدی این دومینو تصور می‌شد. با آغاز دوره سازندگی و سپس اصلاحات، بخش مهمی از تحلیل‌ها در غرب بر این فرض بنا شد که فرآیند «تدریجی لیبرالیزه شدن» نظام، به نوعی به تغییر ماهیت یا فروپاشی ساختار انقلابی می‌انجامد.

در همین دوره، بنیان‌های جنگ نرم و رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی تقویت شد. شبکه‌های ماهواره‌ای، سازمان‌های غیردولتی و طراحی پروژه‌های مرتبط با «گذار دموکراتیک» در اندیشکده‌های غربی مثل «رند» و دیگر مراکز

سیاست‌گذاری آمریکایی، ایران را یک پرونده بلندمدت برای فرسایش تدریجی حاکمیت می‌دیدند.

۴ دهه ۸۰ و پرونده هسته‌ای به عنوان موتور روایت فروپاشی

با برجسته‌شدن پرونده هسته‌ای ایران و شکل‌گیری اجماع نسبی غرب بر سر تحریم‌های گسترده، روایت فروپاشی وارد فاز جدید شد. فرض اصلی این بود که ترکیب تحریم‌های فلج‌کننده با نارضایتی داخلی، نظام را به سمت «تغییر رفتار بنیادی» یا «تغییر رژیم» سوق می‌دهد.

جنبش اعتراضی ۱۳۸۸ برای بخش‌هایی از مخالفان خارجی، نشانه نزدیک‌شدن این سناریو تلقی شد. بسیاری از مقالات آن دوره، از انقلاب‌های مخملی در اروپای شرقی الگومی گرفتند و گمان می‌کردند که با فشار اقتصادی و حمایت رسانه‌ای، می‌توان همان الگو را در ایران تکرار کرد. شکست آن موج در رسیدن به هدف نهایی، موجب بازنگری در برخی محاسبات شد، اما اصل روایت فروپاشی را از دستور کار خارج نکرد.

۴ دهه ۹۰، تحریم حداکثری و تحولات بهار عربی

تحریم‌های شدیدتر در دوره اوباما و سپس سیاست «فشار حداکثری» در دوره اول ترامپ، به همراه تحولات کشورهای عربی، مقطع دیگری بود که بحث فروپاشی ایران را در رسانه‌ها و اندیشکده‌ها زنده کرد. تحلیل‌هایی که تجربه سقوط صدام، قذافی و بحران سوریه را کنار هم می‌گذاشتند، به‌طور مداوم این پرسش را مطرح می‌کردند که «نوبت ایران چه زمانی خواهد بود». در عین حال، حتی بخشی از تحلیل‌گران غربی که با سیاست تغییر رژیم مخالف بودند، هم در نوشته‌های خود سناریوهای فروپاشی را به عنوان «احتمال» بررسی می‌کردند. این دسته بیشتر هشدار می‌دادند که اگر فشارها بدون نقشه برای فردای ایران ادامه یابد، فروپاشی می‌تواند به هرج و مرج منطقه‌ای منجر شود. در این میان، قابل ذکر است که پمپئو، وزیر امور خارجه دولت ترامپ، در ۲۱ مه ۲۰۱۸ یک فهرست ۱۲ گانه از شروط را برای ایران مطرح کرد که اساساً هدف

آن، ایجاد «تغییر بنیادین» در رفتار جمهوری اسلامی بود؛ شروطی چون توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم، تعطیلی سانتریفیوژها، پایان پرتاب موشک‌های بالستیک، خروج نیروهای ایرانی از سوریه، قطع حمایت از گروه‌های منطقه‌ای و جنبش‌های دیگری که از تهران خط می‌گیرند.

همچنین، اتفاقات داخلی ایران در دی ۹۶ و به‌ویژه آبان ۹۸ که با افزایش قیمت بنزین آغاز شد، و همچنین تحرکاتی که در مرداد ۱۳۹۷ و پس از آن دیده شد، زیرساخت بالقوه دیگری از سوی جریان‌های مورد اشاره برای سناریوی فروپاشی تلقی می‌شد.

۴ دهه ۱۴۰۰، اعتراضات اجتماعی و جنگ دوازده روزه

در دهه اخیر، به ویژه پس از اتفاقات ۱۴۰۱ روایت فروپاشی در رسانه‌های غربی و فارسی‌زبان بیرون از ایران شدت گرفت. گزارش‌های متعددی از سوی نهادهایی مانند فریدام هاوس و چتم هاوس، ایران را در وضعیت «بحران مشروعیت» توصیف کردند.

پس از جنگ تحمیلی دوازده روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران در خرداد ۱۴۰۴ موج جدیدی از تحلیل‌ها درباره احتمال فروپاشی جمهوری اسلامی شکل گرفت. گزارش‌های مختلفی از سوی اندیشکده‌ها و رسانه‌ها منتشر شد که برخی از آنها به صراحت «فروپاشی رژیم» را هدف مطلوب سیاست غرب معرفی کردند. یک گزارش مهم از اندیشکده هنری جکسون در تابستان ۲۰۲۵، اصطلاح فروپاشی رژیم را به عنوان استراتژی مطلوب پیشنهاد می‌کند و از ترکیب فشار خارجی و فرسایش داخلی برای رسیدن به این هدف سخن می‌گوید.

در کنار این، گزارش‌هایی از مؤسسات اروپایی مانند کلینگندیل و گوتینگن نشان داد که علی‌رغم فشار جنگ و تحریم و بحران جانشینی، ساختار حاکمیت ایران در حال تقویت سازوکارهای تاب‌آوری و مدیریت دوران گذار است و از نگاه آنها احتمال فروپاشی فوری پایین است، هرچند چالش‌ها جدی است. به این ترتیب، امروز در یک نقطه عطف قرار داریم که روایت فروپاشی، هم در سطح رسانه و هم در سطح اندیشکده و سیاستگذاری، سازمان‌یافته‌تر از گذشته دنبال می‌شود.

بازیگران و پیش‌برندگان روایت فروپاشی

❧ دولت‌های متخاصم و متحدان آنها

در رأس پیش‌برندگان این روایت، دولت‌هایی قرار دارند که از ابتدای انقلاب، جمهوری اسلامی را تهدیدی راهبردی برای نظم مطلوب خود در منطقه تلقی کرده‌اند. آمریکا، رژیم صهیونیستی و بخشی از هم‌پیمانان اروپایی آنها و در مقطعی برخی دولت‌های عربی، ایران را بازیگری می‌بینند که با نفوذ منطقه‌ای، سیاست‌های مقاومتی، حمایت از گروه‌های مقاومت و برنامه هسته‌ای خود، نظم موجود را برهم زده است.

در این چارچوب، روایت فروپاشی دو کارکرد دارد؛

- ❧ کارکرد اول این است که افکار عمومی داخلی این کشورها را برای سیاست‌های تهاجمی‌تر علیه ایران آماده می‌کند. وقتی به شهروند غربی گفته می‌شود این نظام در حال فروپاشی است، پذیرش تحریم، فشار و حتی اقدام نظامی محدود آسان‌تر می‌شود.
- ❧ کارکرد دوم این است که جامعه ایرانی را به این باور برساند که حاکمیتش آینده‌ای ندارد و هر نوع مقاومت در برابر فشار خارجی، نوعی لجاجت بی‌حاصل است.

❧ اندیشکده‌ها و محافل سیاست‌گذاری

اندیشکده‌هایی مانند هنری جکسون، نیولاینز، رند، هوور، بخشی از مراکز راهبردی اروپایی و عربی، در سال‌های اخیر حجم زیادی از گزارش‌ها را به سناریوهای «تغییر رژیم» یا «فروپاشی» در ایران اختصاص داده‌اند. نکته مهم این است که همه آنها لزوماً حامی تغییر رژیم نیستند. برخی هشدار می‌دهند که فروپاشی می‌تواند بسیار پرهزینه و بی‌ثبات‌کننده باشد، اما حتی وقتی می‌خواهند هشدار بدهند، ناخواسته در بازتولید تصویر «ایران در آستانه فروپاشی» سهم پیدا می‌کنند.

در کنار این، گزارش‌های متعددی درباره جانشینی رهبری، ساختارهای قدرت در ایران و سناریوهای انتقال قدرت نوشته شده است که بر مسئله

سن آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و ابهام درباره آینده نظام تأکید می‌کنند.

🔸 رسانه‌های فارسی‌زبان برون مرزی

شبکه‌هایی مانند بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال، صدای آمریکا و رسانه‌های کوچکتر فارسی‌زبان خارج از کشور، نقش محوری در ترویج دائمی روایت بحران و فروپاشی دارند. از دید این رسانه‌ها، جذاب‌ترین روایت برای مخاطب، روایتی است که از بن‌بست کامل، ناامیدی مطلق و فاصله غیرقابل‌پرسد شدن بین مردم و حاکمیت سخن بگوید.

🔸 اپوزیسیون پراکنده خارج از کشور

طیف‌های مختلف اپوزیسیون، از سلطنت‌طلب تا سازمان مجاهدین و گروه‌های قوم‌گرا و جریان‌های لیبرال و چپ، در سطح گفت‌وگومانی تقریباً بریک چیز توافق دارند و آن چیزی نیست جز این که جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی است و تنها اختلاف آنها بر سر این است که چه کسی جای آن را می‌گیرد. بسیاری از این گروه‌ها برای جلب حمایت مالی و سیاسی از دولت‌ها و افکار عمومی غرب، ناچارند تصویر بسیار نزدیک و حتمی از فروپاشی ارائه دهند. در غیر این صورت، ادعای جایگزین بودن آنها جدی گرفته نمی‌شود. در عین حال، بخشی از تحلیل‌های غربی هم اشاره کرده‌اند که اپوزیسیون خارج، در عمل پراکنده و ناکارآمد است و بیشتر در جنگ رسانه‌ای با یکدیگر غرق شده است.

🔸 بازیگران اقتصادی و رسانه‌ای

در سطحی پایین‌تر، منطق بازار رسانه و شبکه‌های اجتماعی نیز از روایت فروپاشی حمایت می‌کند. تیت‌رهایی که از فروپاشی قریب‌الوقوع، جنگ داخلی حتمی یا انقلاب نزدیک سخن می‌گویند، مخاطب و کلیک بیشتری جذب می‌کنند. پلتفرم‌هایی که بر مبنای توجه مخاطب کسب درآمد می‌کنند، ناخودآگاه به سمت برجسته کردن بدبینانه‌ترین سناریوها حرکت می‌کنند.

هم‌زمان، صنعت لابی‌گری و قراردادهای پرهزینه سیاست فشار حداکثری و فروش سلاح به منطقه، نیز از تصویر ایران فروپاشیده و خطرناک، سود سیاسی و اقتصادی می‌برد. تهدید تصویرشده به عنوان ایران بحران‌زده، توجیه مناسبی برای پروژه‌های میلیارد دلاری تسلیحاتی در خلیج فارس و تحریم‌های گسترده است.

مختصات و چارچوب روایت «فروپاشی»

برای مواجهه هوشمندانه در جنگ شناختی، لازم است این روایت را به عناصر سازنده آن تجزیه کنیم. می‌توان چارچوبی چندمحوری برای آن به صورت ذیل ترسیم کرد.

۴ محور جامعه فروپاشیده

در این محور، تلاش می‌شود جامعه ایران به صورت کامل به شکل جامعه‌ای شکست‌خورده تصویر شود. اجزای این محور عبارت‌اند از:

«برجسته‌سازی انتخابی شاخص‌های منفی مانند تورم، بیکاری، فساد، حاشیه‌نشینی، اعتیاد، آلودگی هوا، بحران آب

«تعمیم برخی ناهنجاری‌ها به کل جامعه و القای این که هیچ نظم اخلاقی و اجتماعی باقی نمانده است

«نادیده گرفتن ظرفیت‌های مقاومت اجتماعی، شبکه‌های همبستگی، نهادهای مردمی، پیشرفت‌های علمی و فناوری و توان خودسازمان‌دهی جامعه

«استفاده از روایتی که می‌گوید جامعه عملاً از نظام «جدا شده» و در حالت فروپاشی خاموش به سر می‌برد

در این روایت، جامعه‌ای زنده با تناقض‌ها و ظرفیت‌های متنوع، به یک تصویر تک‌بعدی از بحران دائم تقلیل داده می‌شود.

۴ محور حاکمیت پوسیده و در حال اضمحلال

در این محور، تمرکز بر تصویرسازی از حاکمیت به عنوان ساختاری است که از درون فروریخته و فقط با زور سر پا مانده است. عناصر مهم این محور؛

« تأکید دائمی بر سن رهبری و برجسته سازی هر خبر واقعی یا شایعه درباره سلامت ایشان به عنوان نشانه «نزدیکی پایان» که غالبا با کنش های غافل گیرکننده رهبر حکیم انقلاب مدظله خنثی می شود.

« تصویر کردن فرآیند جانشینی به صورت میدان نبرد کنترل ناپذیر و جنگ قدرت جناح ها و نهادها

« نادیده گرفتن تلاش های ساختاری برای افزایش تاب آوری و ساز و کارهایی که در جمهوری اسلامی برای ممانعت از ایجاد خلا قدرت اندیشیده شده است که در برخی گزارش های غربی هم به آن اشاره شده است.

« القای این ادعا که هیچ بخشی از ساختار قدرت در ایران، از سپاه تا نهادهای مدنی، دیگر انگیزه ای برای دفاع از نظام ندارد و تنها با منافع شخصی به آن متصل است

این تصویر، هر نشانه ای از انسجام و بازسازی درون زارا نادیده می گیرد و تنها به شکاف ها و اختلاف های می پردازد.

۴ محور مشروعیت از دست رفته و مردم خسته

در این محور، تلاش می شود نشان داده شود که «مردم ایران» یک دست و کامل از نظام رویگردان شده اند و فقط ترس است که مانع فروپاشی نهایی است. اجزای آن؛

« تقلیل پیچیدگی جامعه به دوگانه ساده مردم و حاکمیت

« استفاده انتخابی از آمار مشارکت در انتخابات، اعتراضات و گزارش های حقوق بشری برای اثبات ادعای «پایان مشروعیت»

« نادیده گرفتن طیف وسیع گرایش ها از حامیان تمام قد نظام تا منتقدان درون گفتمانی و شهروندان خاکستری

« تبدیل هر مطالبه اجتماعی به نشانه خواست فروپاشی کامل نظام

این در حالی است که برخی پژوهش‌ها حتی در فضای غربی نیز تأکید کرده‌اند بخش مهمی از جامعه ایران، با وجود نارضایتی از وضع موجود، به دلیل ترس از سناریوهایی مثل عراق و سوریه، فروپاشی را انتخاب نمی‌کند و نوعی ترجیح برای حفظ ثبات حداقلی دارد.

✦ محور القای بن‌بست ساختاری و نبود امکان اصلاح

در این محور، هدف این است که هر نوع امکان درون‌ساختاری نفی شود. به این صورت که؛

« تجربه‌های اصلاحات و تغییرات درونی، یا سانسور یا به عنوان شکست کامل بازخوانی می‌شود.

« هر تغییر در سیاست داخلی یا خارجی، صرفاً تاکتیکی و نمایشی و فاقد هرگونه معنای واقعی معرفی می‌شود

« این ایده ترویج می‌شود که نظام توانایی و اراده اصلاح ندارد و تنها راه، فروپاشی کامل و شروع از صفر است

این روایت، برای بسیاری از نیروهای اجتماعی که به دنبال اصلاح تدریجی هستند، نوعی حکم مرگ صادر می‌کند و آنها را یا به سمت یأس و کناره‌گیری یا به سمت پیوستن به گفتمان براندازی سوق می‌دهد.

✦ محور رستگاری پس از فروپاشی

بخش جذاب اما مبهم این روایت، تصویر روز بعد از فروپاشی است. معمولاً چنین القای می‌شود که با سقوط جمهوری اسلامی؛

« ایران به سرعت به جامعه‌ای آزاد، مرفه، بدون تحریم و مورد استقبال جهان تبدیل می‌شود

« همه مشکلات ساختاری اقتصاد، فساد، محیط زیست و شکاف‌های اجتماعی، گویا ناشی از ذات نظام بوده و با رفتن آن به صورت طبیعی حل خواهد شد

« نمونه‌هایی مانند اروپای شرقی، کره جنوبی و دیگر کشورها، بدون توجه

به تفاوت‌های تاریخی و فرهنگی و ژئوپلیتیک، به عنوان الگو معرفی می‌شوند

در این روایت، هرگونه اشاره به تجربه‌های خونین عراق، لیبی، سوریه و حتی مشکلات پس از انقلاب‌های رنگی در بعضی کشورها، یا حذف می‌شود یا کم‌اهمیت جلوه داده می‌شود. در حالی که حتی برخی تحلیلگران غربی اخیراً تأکید کرده‌اند که ترس ایرانیان از فروپاشی و هرج و مرج، یکی از عوامل مهم عدم حرکت به سمت انقلاب فراگیر است.

این پنج محور، اسکلت اصلی روایت فروپاشی را می‌سازند. شناخت این اسکلت کمک می‌کند در هر موج رسانه‌ای، تشخیص دهیم کدام قطعه در حال به کار افتادن است.

انگیزه‌های لایه لایه پشت روایت فروپاشی

۴ انگیزه‌های راهبردی

در سطح راهبردی، روایت فروپاشی ابزاری برای تغییر موازنه قدرت است. هدف اصلی این است که ایران از یک بازیگر فعال و مزاحم در منطقه، به یک واحد سیاسی ضعیف، چندپاره و قابل مهار تبدیل شود.

گزارش هنری جکسون صراحتاً می‌گوید هدف باید فروپاشی رژیم و برچیدن ساختار سیاسی کنونی باشد و از ترکیب ضربات نظامی محدود با فشار داخلی و عملیات اطلاعاتی سخن می‌گوید.

در نگاه بخشی از طراحان این راهبرد، فشار نظامی مستقیم به تنهایی کارساز نیست و حتی می‌تواند به همبستگی داخلی در ایران منجر شود. از این رو، باید پیوسته به ایرانیان القا کرد که نظام در حال سقوط است، تانوعی «خودتحریمی اجتماعی» شکل بگیرد؛ مردم به حاکمیت بی‌اعتماد شوند، مشارکت خود را در سیاست و اقتصاد کاهش دهند و سرمایه اجتماعی نظام تحلیل برود. در این صورت، حتی بدون جنگ گسترده، توان حاکمیت برای پیگیری سیاست‌های منطقه‌ای و مقاومت در برابر فشار خارجی کاهش می‌یابد.

در کنار این، برخی تحلیل‌ها که بعد از جنگ دوازده روزه منتشر شد، بر این فرض بنا شده‌اند که تداوم برنامه هسته‌ای و موشکی ایران بدون امتیازدهی، می‌تواند به رشته ضربات دیگر و شاید بحران‌های داخلی منجر شود.

✦ انگیزه‌های روانی و اجتماعی

در سطح روانی، هدف اصلی این است که نسل‌های جوان ایران، به‌ویژه جوانان انقلابی، احساس کنند آینده‌ای در این نظام ندارند. الگوچنین است؛

- ✦ هر موفقیت یا نشانه قدرت جمهوری اسلامی با برچسب‌هایی مانند ماجراجویی، هزینه‌آفرینی و غیرعقلانی بودن تخفیف داده می‌شود
- ✦ هر ناکامی یا ضعف، تا حد ممکن بزرگ‌نمایی و تعمیم داده می‌شود
- ✦ هر اعتراض و شکاف اجتماعی، به عنوان نشانه پایان کار نظام تصویر می‌شود

این روند اگر بدون پاسخ مؤثر ادامه یابد، می‌تواند بخشی از جوانان را به سمت بی‌تفاوتی سیاسی، مهاجرت یا کنشگری بی‌برنامه و احساسی سوق دهد. در تحلیل‌هایی که پس از حملات اسرائیل به ایران و پاسخ ایران منتشر شد، مرتب این ایده مطرح شد که جامعه ایرانی دیگر تاب جنگ و بحران ندارد و ممکن است هر شوک بیرونی، جرقه فروپاشی داخلی شود.

✦ انگیزه‌های سیاسی اپوزیسیون

برای بخش مهمی از اپوزیسیون خارج از کشور، روایت فروپاشی یک ابزار بسیج سیاسی است. اگر به هواداران گفته شود که نظام پایدار است و سقوط آن بسیار دور، انگیزه مالی و روانی برای ادامه مبارزه کاهش می‌یابد. بنابراین لازم است دائماً از «لحظه آخر» و «فرصت تاریخی» سخن گفته شود.

این روایت همچنین آنها را در برابر حامیان خارجی جذاب‌تر نشان می‌دهد. اگر تصویر این باشد که نظام در حال سقوط است و تنها مانع، نبود آترناتیو منسجم است، سرمایه‌گذاری روی گروه‌های اپوزیسیون منطقی‌تر به نظر

می‌رسد. به همین دلیل، در کنفرانس‌های اخیر اپوزیسیون، بارها بر این نکته تأکید شده که فروپاشی نه تنها ممکن، بلکه «حتمی» است و فقط باید مدیریت شود.

❖ انگیزه‌های رسانه‌ای و اقتصادی

در دنیای شبکه‌های اجتماعی و رقابت شدید رسانه‌ها، روایت‌های ملت‌ه‌ب و آخرالزمانی بسیار بیشتر دیده می‌شوند. تیت‌ره‌ای آرام و تحلیلی، شانس کمتری برای دیده شدن دارند. همین منطق بازار اطلاعات، ناخواسته به سمت ترویج روایت‌های اغراق‌آمیز از فروپاشی می‌رود.

شبکه‌های رب‌اتی، کارخانه‌های ترول و کمپین‌های هماهنگ در توئیتر و اینستاگرام و تیک‌تاک، که بخشی از آنها بر اساس گزارش‌ها توسط سرویس‌های اطلاعاتی حریف در جنگ ۱۲ روزه فعال بودند، این روند را تقویت می‌کنند. این شبکه‌ها با استفاده از هوش مصنوعی انبوهی از تصویر و ویدئو و متن تولید می‌کنند تا تصویری کاملاً یک‌سویه از ایران ارائه دهند.

❖ انگیزه‌های امنیتی در قالب جنگ شناختی

در ادبیات جدید امنیتی، اصطلاح جنگ شناختی به جنگی گفته می‌شود که هدف آن تخریب سامانه‌های ادراکی و قضاوتی حریف است. یعنی قبل از آن که توان نظامی یا اقتصادی او را از کار بیندازند، می‌کوشند اعتماد به نفس جمعی، انسجام نخبگان و قدرت تصمیم‌گیری راهبردی او را مختل کنند.

گزارش‌های تحلیلی درباره جنگ دوازده روزه نشان می‌دهد که بخش مهمی از تلاش‌های آمریکا و اسرائیل و متحدانشان، در حوزه عملیات روانی و شناختی متمرکز بود و از ابزارهای هوش مصنوعی برای تولید روایت‌هایی درباره «ضعف مرگبار نظام» و «شکاف شدید بین مردم و حاکمیت» استفاده شده است. در چنین چارچوبی، روایت فروپاشی، صرفاً بحث سیاسی یا رسانه‌ای نیست، بلکه یک سلاح امنیتی است.

تأثیرات احتمالی روایت فروپاشی بر جامعه و مسئولان

✦ تأثیر بر جامعه

✦ نسل‌های جوان به‌ویژه نسل انقلابی

برای بخشی از جوانان که در دهه‌های اخیر متولد شده‌اند، تصویر روزانه‌ای که از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های برون‌مرزی دریافت می‌کنند، ترکیبی است از بحران، ناکارآمدی، فساد و آینده تاریک. اگر در داخل کشور، روایت رقیب، فاقد جذابیت و صراحت و شفافیت باشد، شکاف ادراکی به نفع روایت فروپاشی عمیق‌تر می‌شود.

این وضعیت می‌تواند چند واکنش متفاوت ایجاد کند؛ بخشی ممکن است به سمت مهاجرت و خروج فردی از میدان حرکت کنند. بخشی ممکن است در قالب خشم اجتماعی بدون افق روشن، جذب اعتراضات مقطعی شوند. بخشی دیگر، به‌ویژه جوانان انقلابی، ممکن است از این موج به عنوان محرک هویتی استفاده کنند و در دفاع از نظام فعال‌تر شوند، اما اگر نقدهای واقعی آنها شنیده نشود، این انرژی هم می‌تواند فرسوده شود.

✦ طبقه متوسط و نخبگان

طبقه متوسط شهری و نخبگان علمی و فرهنگی، حساس‌ترین لایه نسبت به روایت فروپاشی هستند، زیرا از یک سو فشار اقتصادی و اجتماعی را حس می‌کنند و از سوی دیگر دسترسی گسترده به اطلاعات و تحلیل‌های خارجی دارند. اگر حاکمیت نتواند تصویر قانع‌کننده‌ای از آینده ارائه دهد، این لایه به سمت نوعی بدبینی ساختاری نسبت به اصلاح‌پذیری نظام سوق پیدا می‌کند. نتیجه، کاهش مشارکت سیاسی، رشد تمایل به «مهاجرت ذهنی» حتی بدون خروج فیزیکی و فاصله گرفتن از هر نوع همکاری مثبت با ساختار است.

✦ اقلیت‌ها و حاشیه‌نشین‌ها

برای گروه‌های قومی و مذهبی و حاشیه‌نشین، روایت فروپاشی می‌تواند دو پیام متضاد داشته باشد؛ یا این تصور را ایجاد کند که در صورت فروپاشی،

فرصت برای تحقق مطالبات تاریخی آنها فراهم می‌شود؛ یا ترس از این که کشور به سمت تجزیه و جنگ داخلی برود. در هر دو حالت، اگر سیاست‌های عدالت‌محور و مشارکت‌گرا از سوی حاکمیت جدی گرفته نشود، این لایه‌ها می‌توانند به میدان رقابت عملیات روانی دشمن تبدیل شوند.

✦ تأثیر بر ذهن مسئولان و ساختار تصمیم‌گیری

روایت فروپاشی اگر درست فهم و مدیریت نشود، می‌تواند بر خود نخبگان حاکم نیز اثر مخرب داشته باشد؛

★ دوافراط متقابل

یک افراط، تسلیم شدن به ترس و تصور اغراق‌آمیز از شکنندگی نظام است. در این حالت، مسئولان ممکن است برای جلوگیری از هرگونه نارضایتی، به سمت کنترل افراطی جامعه، امنیتی کردن فضا و بستن راه نقد حرکت کنند. نتیجه، افزایش فاصله با جامعه و دادن خوراک بیشتر به روایت فروپاشی است. افراط دیگر، بی‌اعتنایی کامل و تحقیر هر هشدار نسبت به نارضایتی و بحران، با این توجیه که همه چیز «جنگ روانی دشمن» است. در این حالت، نقدهای واقعی و مشکلات ساختاری دیده نمی‌شود و نظام خود را از مهم‌ترین منابع اصلاح و تاب‌آوری محروم می‌کند.

★ اختلال در محاسبات راهبردی

اگر تصویر بیرونی مدام این باشد که نظام در حال سقوط است، دو نوع خطای راهبردی ممکن است رخ دهد؛

« نوع اول، خوش‌بینی کاذب است. این تصور که دشمن به دلیل امیدواری به فروپاشی، در لحظه نیاز جرئت اقدام جدی ندارد، در حالی که می‌تواند عکس آن اتفاق بیفتد.

« نوع دوم، بدبینی فلج‌کننده است. این که مسئولان احساس کنند هر تصمیم مهم اقتصادی یا سیاسی، می‌تواند آخرین ضربه باشد و در نتیجه از تصمیم‌های بزرگ و اصلاحات ضروری بترسند.

برخی گزارش‌ها در غرب تأکید کرده‌اند که حاکمیت ایران در حال کار روی تقویت تاب‌آوری برای دوران جانشینی و بحران‌های آینده است. اگر این کار با نگاه داده‌محور و آرامش شناختی پیش برود، می‌تواند در برابر این دو افراط نوعی سپر ایجاد کند.

راهبردهای تضعیف و خنثی‌سازی

برای مقابله مؤثر با روایت فروپاشی، کافی نیست صرفاً آن را «جنگ روانی» بنامیم. باید هم در سطح شناختی و هم در سطح سیاستگذاری واقعی، اقداماتی انجام شود که هم مواد خام این روایت را کاهش دهد، هم توان جامعه در خوانش انتقادی آن بالا برود.

❖ تفکیک دقیق بین جنگ شناختی و نقد واقعی

اولین گام، پذیرش صادقانه این حقیقت است که در ایران مشکلات جدی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وجود دارد. مخفی کردن یا کوچک جلوه دادن این مشکلات، تنها به نفع دشمن است که می‌تواند خود را «صادق‌تر» معرفی کند.

در عین حال، باید بین نقدهای واقعی و روایت فروپاشی که اغلب بر اغراق و تعمیم بنا شده، مرز گذاشت. این کار نیازمند سازوکارهایی است برای شنیدن و بازتاب دادن نقد از داخل. به‌ویژه باید به دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و نهادهای کارشناسی مستقل مجال داد که تصویری دقیق و علمی از وضع کشور ارائه دهند، بدون آن که فوراً برچسب معاند بخورند.

❖ شفافیت و داده‌محوری در اطلاع‌رسانی

بخش مهمی از قدرت روایت فروپاشی، از خلأ اطلاعاتی و بی‌اعتمادی به آمار رسمی ناشی می‌شود. وقتی مردم به آمارهای داخلی اعتماد نکنند، هر عددی که رسانه معاند بگوید، ولو نادقیق، باورپذیرتر می‌شود. راه حل، افزایش شفافیت در حوزه‌هایی مانند بودجه، فساد، شاخص‌های

اجتماعی، محیط زیست و... است. انتشار شفاف داده و بحث با آمار و امکان دسترسی پژوهشگران و رسانه‌ها به این داده‌ها، علاوه بر این که تصویر مسئولانه‌تری از حاکمیت نشان می‌دهد، میدان بازی روایت فروپاشی را هم تنگ‌تر می‌کند.

۴ ارتقای سواد رسانه‌ای و شناختی جامعه

به جای تمرکز صرف بر فیلترینگ، باید روی سواد رسانه‌ای سرمایه‌گذاری کرد. جامعه باید بداند عملیات روانی چیست، چگونه آمار می‌تواند دستکاری شود، شبکه‌های ربّاتی و تولید محتوا با هوش مصنوعی چگونه کار می‌کنند و چه نشانه‌هایی دارند.

این آموزش می‌تواند از مدرسه تا دانشگاه و از رسانه‌های رسمی تا شبکه‌های اجتماعی بومی دنبال شود. جامعه با سواد رسانه‌ای بالاتر، حتی اگر به رسانه برون مرزی گوش دهد، کمتر تسلیم روایت یک سویه فروپاشی می‌شود.

۴ بازطراحی روایت ملی به صورت واقع بینانه و امیدبخش

باید روایتی ساخته شود که هم دستاوردهای واقعی را برجسته کند و هم مشکلات را صادقانه ببیند؛ برای نمونه، می‌توان به تاب‌آوری ایران در برابر دهه‌ها تحریم و جنگ و فشار اشاره کرد، اما هم‌زمان نشان داد که این تاب‌آوری باید با اصلاح حکمرانی و عدالت اجتماعی پیوند بخورد تا به حس پیشرفت واقعی برای مردم تبدیل شود. برخی تحلیل‌های مستقل غربی نیز نشان داده‌اند که سیاست فشار حداکثری و جنگ، برخلاف امید طراحان، به فروپاشی رژیم منجر نشده و در مواردی حتی منجر به انسجام بیشتر شده است.

این نکته اگر در داخل به زبان قابل فهم برای مردم، به ویژه جوانان، گفته شود، می‌تواند نسبت تازه‌ای بین احساس عزت ملی و مسیر حل مشکلات در چارچوب کلی نظام ایجاد کند.

۴ حل مشکلات به عنوان قوی‌ترین پاسخ

قدرتمندترین پاسخ به روایت فروپاشی، عمل است. هر قدم واقعی در مبارزه

با فساد، در بهبود وضعیت معیشت، در کاهش تبعیض، در ارتقای کارآمدی دستگاه‌های اداری و قضایی، یک ضربه به روایت فروپاشی است. نظامی که نشان دهد در برابر نقد حساس است و توان اصلاح خود را دارد، کمتر در معرض پذیرش ادعای بن‌بست قرار می‌گیرد. در مقابل، اگر مردم احساس نکنند که مشکلات در حال حل شدن است یا حداقل اراده‌ای برای حل آنها وجود دارد، حتی بهترین جنگ رسانه‌ای نیز نمی‌تواند تصویر فروپاشی را از ذهن جامعه پاک کند.

✦ ایجاد آرامش شناختی در سطح تصمیم‌گیری

مسئولان نیاز دارند در برابر موج دائمی خبرهای منفی، نوعی آرامش شناختی داشته باشند. این آرامش، نه از نادیده گرفتن واقعیت، بلکه از دسترسی به تحلیل‌های چندجانبه و داده‌محور حاصل می‌شود. ایجاد اتاق‌های فکر با حضور دیدگاه‌های متفاوت، استفاده از تحلیل‌های مستقل و حتی خواندن منتقدان خارجی، می‌تواند کمک کند تصمیم‌گیران گرفتار فضای شبکه‌های اجتماعی و تیت‌رهای هیجانی نشوند. برخی گزارش‌ها درباره آمادگی نظام برای دوران جانشینی، نشان می‌دهد که چنین نگاه بلندمدتی در حال شکل گرفتن است و باید تقویت شود.

✦ دیپلماسی فعال برای شکستن انحصار تصویر ایران

تا زمانی که تنها تصویر ایران در صحنه جهانی، از کانال رسانه‌های معاند و لابی‌های ضدایرانی منتقل شود، روایت فروپاشی دست بالا را خواهد داشت. باید حضور پژوهشگران، دیپلمات‌ها و نخبگان ایرانی در فضای اندیشکده‌ای و دانشگاهی جهان بیشتر شود.

مقاله‌ها، نشست‌ها، گفت‌وگوها و تولیدات علمی که ایران را نه یک «رژیم مرموز در آستانه سقوط»، بلکه یک جامعه پیچیده با ساختار دولتی مقاوم و مسائل واقعی اما قابل مدیریت نشان می‌دهند، می‌توانند در بلندمدت تعادل تصویر را اصلاح کنند. گزارش‌هایی از مؤسسات معتدل‌تر که بر

تاب‌آوری ساختار ایران تأکید می‌کنند، نشان می‌دهد مخاطب جهانی برای این نوع روایت نیز وجود دارد.

✦ بازآرایی معماری رسانه‌ای داخلی

رسانه‌های داخلی اگر نتوانند نیاز اطلاعاتی و عاطفی نسل جوان را پاسخ دهند، نمی‌توان از آنها انتظار داشت که در جنگ روایت‌ها پیروز شوند. نیاز است که؛

« صد او سیما در ساختار، محتوا و زبان خود بازنگری جدی کند و نسبت به تقویت برنامه‌های تأثیرگذار و توسعه بیشتر آنها همت بگمارد.

« رسانه‌های غیررسمی مجوزدار ذیل قانون اساسی و مسئول در چارچوب نظام مجال رشد پیدا کنند

« ژانرهایی مانند سریال، مستند، موسیقی، بازی و پادکست که قدرت تأثیر عمیق بر ذهن و احساس دارند، بیشتر جدی گرفته شوند

روایت فروپاشی صرفاً با مقاله و میزگرد سیاسی مقابله‌پذیر نیست. باید در لایه‌های فرهنگی و سرگرمی نیز روایتی متوازن از ایران امروز و خصوصاً ایران قوی ارائه شود.

✦ سامانه‌های رصد و تحلیل جنگ شناختی

برای مقابله دقیق، لازم است مراکز تخصصی رصد و تحلیل جنگ شناختی ایجاد یا تقویت شود. این مراکز باید؛

« روندهای روایی درباره ایران را در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی رصد و طبقه‌بندی کنند

« شبکه‌های انتشار محتوا، نقاط گرهی و الگوریتم‌های پلتفرم‌ها را تحلیل کنند

« شاخص‌هایی برای سنجش اثرگذاری روایت فروپاشی بر افکار عمومی طراحی کنند

« سناریوهای پاسخ روایت‌محور را پیشنهاد دهند

خنثی کردن انگاره «فروپاشی» با آینده‌اندیشی

آینده‌اندیشی، در معنای دقیق کلمه، نوعی خوش‌بینی ساده‌لوحانه یا شعار سیاسی نیست؛ بلکه تلاشی نظام‌مند برای دیدن امتداد امروز در افق‌های ده و بیست‌ساله است. در فضای کنونی، که بخش مهمی از جنگ روایت‌ها حول «پایان جمهوری اسلامی» و «بن‌بست راهبردی ایران» شکل گرفته، آینده‌اندیشی به یک نیاز لوکس شبیه مطالعات آکادمیک نیست، بلکه به یک ضرورت امنیت ملی و اجتماعی تبدیل شده است. نزاع اصلی، نزاع بر سر این پرسش است که آیا می‌توان برای جمهوری اسلامی افق‌های قابل‌تصور و قابل‌برنامه‌ریزی تعریف کرد یا نه. پاسخ مثبت به این پرسش، هسته اصلی گفتمان آینده‌مندی است.

✦ نسبت روایت «فروپاشی» با «فردا»

نخست باید روشن کرد که روایت‌های فروپاشی، چه در رسانه‌های خارجی و چه در بخشی از جریان‌های داخلی، دقیقاً چه می‌کنند. این روایت‌ها فقط از بحران‌های امروز سخن نمی‌گویند؛ آن‌ها تلاش می‌کنند پیوند ذهنی میان «امروز» و «فردا» را قطع کنند. پیام پنهان آن‌ها این است که ادامه منطقی وضع موجود، نه به اصلاح و تکامل، بلکه فقط به انفجار یا فروپاشی ختم می‌شود. جامعه‌ای که چنین تصویری را بپذیرد، دیگر انرژی روانی و اجتماعی لازم برای اصلاح درون‌زا و تحول‌تدریجی را از دست می‌دهد. در چنین فضایی، مهاجرت، خشم بی‌انتهای انفعال، به انتخاب‌های طبیعی گروه‌های مختلف اجتماعی به‌خصوص جوانان تبدیل می‌شود.

در مقابل این پارادایم، آینده‌اندیشی بر این اصل ساده و در عین حال مهم تکیه می‌کند که «فردا از دل امروز ساخته می‌شود». جمهوری اسلامی، صرف‌نظر از قضاوت‌ها درباره کیفیت عملکردش، در چهار دهه گذشته از جنگ هشت‌ساله، تحریم‌های شدید، فشار حداکثری، اعتراضات گسترده و حتی جنگ مستقیم عبور کرده و همچنان به‌عنوان یک بازیگر فعال در منطقه حضور دارد. این واقعیت به‌خودی‌خود به معنای مطلوب بودن همه

سیاست‌ها نیست، اما یک گزاره مهم را اثبات می‌کند؛ این نظام، تا امروز بارها با پیش‌بینی‌های فروپاشی فاصله گرفته و ظرفیت بقا و بازسازی در خود نشان داده است. آینده‌اندیشی، این ظرفیت را نقطه شروع می‌گیرد و می‌پرسد که چگونه می‌توان این پایداری را به مسیر اصلاح و ارتقای تدریجی پیوند زد؟

✦ آینده‌اندیشی به چه معناست؟

فاصله مهم آینده‌اندیشی با تبلیغات شعاری در همین جا آشکار می‌شود. آینده‌اندیشی، چشم خود را بر ناکامی‌ها نمی‌بندد. اسناد بلندمدت مانند سند چشم‌انداز بیست‌ساله، برنامه‌های توسعه و طرح‌های ملی در حوزه‌های انرژی، زیرساخت، علم و فناوری، همگی تلاش‌هایی برای دیدن ایران در افق‌های چنددهه‌ساله بوده‌اند. بخشی از این اهداف محقق نشده، بخشی نیازمند بازتعریف است و بخشی نیز، علیرغم مشکلات، پیش رفته است. گفتمان آینده‌مندی وقتی معتبر می‌شود که هم این تلاش‌ها را به مثابه ریشه‌های امروز فردا به جامعه نشان دهد و هم با صداقت درباره فاصله میان اهداف و واقعیت سخن بگوید؛ توضیح دهد چه آموخته‌ایم و چه اصلاحاتی لازم است. پنهان کردن ناکامی‌ها، آینده را خیالی و غیرواقعی جلوه می‌دهد و روایت فروپاشی را تقویت می‌کند.

✦ ایستادگی در برابر تصویر «بی‌آیندگی»

نکته اساسی دیگر، نسبت آینده‌اندیشی با روندهای فروپاشی در سطح روانی و اجتماعی است. روایت‌های فروپاشی، بر احساس «بی‌آیندگی» سوار می‌شوند؛ مخصوصاً در میان نسل جوانی که فشار اقتصادی، محدودیت‌ها و تنش‌های سیاسی را با حساسیت بیشتری تجربه می‌کند. اگر جوان ایرانی هیچ تصویر مثبتی - یا دست‌کم، هیچ تصویر «قابل ساختنی» - از آینده شهر، شغل، خانواده و نقش خودش در ایران فردا نداشته باشد، طبیعی است که منطق ذهنی او به سمت خروج از کشور، یأس سیاسی یا عصیان پرهزینه گرایش پیدا کند. آینده‌اندیشی، وقتی به زبان ساده و ملموس وارد رسانه، آموزش و

سیاست‌گذاری شهری و ملی شود، این حلقه رامی‌شکند. وقتی هر پروژه انرژی، شهری، علمی یا فناورانه، نه فقط به عنوان یک خبر مقطعی، بلکه در نسبت با افق ده تا بیست ساله توضیح داده شود، ذهن شهروند کم‌کم می‌پذیرد که این کشور، فارغ از همه بحران‌ها، «فردایی قابل تصور» دارد.

از سوی دیگر، آینده‌اندیشی تنها برای اقناع داخلی اهمیت ندارد. در سطح خارجی هم، تصویر ایران به عنوان ساختاری که افق و برنامه ندارد و هر لحظه ممکن است فروپاشد، عملاً ظرفیت چانه‌زنی کشور را کاهش می‌دهد. طرف‌های سیاسی و اقتصادی زمانی حاضرند در پروژه‌های بلندمدت با ایران شریک شوند که مطمئن باشند این نظام در چند سال آینده همچنان سر پا و قادر به تداوم تعهدات خود خواهد بود. برجسته کردن برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت در حوزه‌های علم، انرژی، زیرساخت و همکاری‌های منطقه‌ای، پیام روشنی به بیرون می‌دهد؛ جمهوری اسلامی نه فقط در برابر فشارها تاب آورده، بلکه همچنان مشغول طراحی و اصلاح افق‌های آینده است. این پیام، خود به خودی، بخش مهمی از کارکرد روانی و رسانه‌ای روایت‌های فروپاشی را خنثی می‌کند.

تصویر «آینده» چگونه ساخته می‌شود؟

برای اینکه آینده‌اندیشی در عمل به ابزاری مؤثر در خنثی‌سازی روندهای فروپاشی تبدیل شود، چند شرط مهم باید رعایت شود؛

نخست، عادی‌سازی گفت‌وگو درباره آینده در همه سطوح است. آینده نباید فقط در قالب اسناد رسمی و سخنرانی‌های مناسبتی مطرح شود. حضور موضوع آینده انرژی، آب، آینده اشتغال، آینده فناوری و آینده جمعیت در برنامه‌های تلویزیونی، سریال‌ها، شبکه‌های اجتماعی، مدرسه و دانشگاه، ذهن جامعه را از دال مرکزی «بن‌بست» به سمت «مسیر» می‌برد.

دوم، آینده باید به روندهای عینی امروز گره بخورد؛ صرفاً نقشه‌های روی کاغذ کافی نیست. وقتی از افق ۲۰۳۰ انرژی سخن می‌گوییم، باید پروژه‌های واقعی نیروگاه‌های خورشیدی، بادی، بهینه‌سازی مصرف و کاهش شدت

انرژی به شکل قابل لمس تشریح شود. وقتی از آینده علم حرف می‌زنیم، باید هم آمار تولیدات علمی و شرکت‌های دانش‌بنیان را گفت، هم مساله کیفیت و فساد علمی را صادقانه طرح کرد و مسیر اصلاح را نشان داد.

شرط سوم، نوع مواجهه مسئولان و نخبگان با بحران‌ها و آینده است. ادبیات «لبه پرتگاه»، «پایان راه» و «آینده تیره» اگرچه ممکن است با نیت هشدار به کار رود، اما در عمل، تصویر فروبستگی را تثبیت می‌کند. از سوی دیگر، وعده‌های غیرواقعی و یوتوپیایی درباره آینده نیز، پس از چند بار تکرار و عدم تحقق، به سرخوردگی و بدبینی می‌انجامد. گفتمان آینده‌مندی مؤثر، میان این دو افراط حرکت می‌کند؛ بحران‌ها را واقعی و بی‌پرده نشان می‌دهد، اما هم‌زمان سناریوهای اصلاح، امکان تغییر مسیر و ظرفیت‌های موجود برای ترمیم را نیز توضیح می‌دهد. این ترکیب واقع‌بینی و امید، دقیقاً همان چیزی است که می‌تواند مخاطب را از افتادن در دام روایت‌های فروپاشی باز دارد.

نکته چهارم، جایگاه نسل جوان در این تصویر است؛ آینده‌ای که فقط در اتاق‌های بسته طراحی شود و سهمی برای جوانان، پژوهشگران، کارآفرینان و فعالان اجتماعی قائل نباشد، دیر یا زود از سوی همان نسل پس زده می‌شود. وقتی جوان می‌بیند می‌تواند در قالب استارت‌آپ، پروژه علمی، ابتکار اجتماعی یا شبکه‌های داوطلبانه، در موضوعاتی مانند آب، محیط زیست، شهر هوشمند، عدالت اجتماعی و... نقشی واقعی داشته باشد و این نقش به رسمیت شناخته می‌شود، احساس می‌کند آینده ایران چیزی بیرون از او نیست. این احساس، یکی از قوی‌ترین ضدروایت‌ها در برابر گفتمان فروپاشی است؛ زیرا به جای تماشاگرِ خشمگین یا ناامید، فاعلِ آینده‌سازی می‌سازد.

می‌توان گفت آینده‌اندیشی برای جمهوری اسلامی بخشی از سازوکار دفاعی نرم آن در برابر جنگ شناختی و روانی است. روایت فروپاشی از شکاف میان «واقعیت دشوار امروز» و «عدم وجود تصویر قابل باور از فردا» تغذیه می‌کند. هر قدر این شکاف با گفت‌وگو، برنامه‌ریزی شفاف، پذیرش ناکامی‌ها و برجسته‌سازی ظرفیت‌های اصلاح پر شود، میدان مانور این روایت تنگ‌تر می‌شود. دفاع از تداوم جمهوری اسلامی، اگر بخواهد عقلانی و پایدار باشد،

ناگزیر از پیوند خوردن با دفاع از امکان «اصلاح درون‌زا» و «ساختن آینده» است. آینده‌اندیشی، ابزار نظری و عملی همین پیوند است؛ ابزاری که اگر جدی گرفته شود، می‌تواند ادراک «پایان حتمی» را به ادراک «مسیر دشوار اما قابل پیمایش اصلاح و تداوم» تبدیل کند.

منابع برای مطالعه بیشتر

Amiri, F. (2025, June 20). Iran's internet blackout leaves public in dark and creates an uneven picture of the war with Israel. AP News.

<https://apnews.com/article/6aa315eff871579f8bfc220ce3930e5f>

Arayssi, D. (2025, June 18). Real-Time Analysis: Iran After the Israeli Strikes: Regime Change Remains Unlikely but Not Impossible. New Lines Institute for Strategy and Policy.

<https://newlinesinstitute.org/strategic-competition/regional-competition/real-time-analysis-iran-after-the-israeli-strikes-regime-change-remains-unlikely-but-not-impossible/>

Azizi, H., & van Veen, E. (2023, March). Protests in Iran in comparative perspective: A revolutionary state in trouble (CRU Report). Clingendael Institute.

https://www.researchgate.net/publication/369095118_Protests_in_Iran_in_comparative_perspective_A_revolutionary_state_in_trouble

Azizi, H., & van Veen, E. (2023, March 23). Lost in transition: Where might Iran be heading? Clingendael Institute.

<https://www.clingendael.org/publication/lost-transition-where-might-iran-be-heading>

Azizi, H., & van Veen, E. (2023, September 28). Iran's transition six months on: Repression meets resilience. Clingendael Institute.

<https://www.clingendael.org/publication/irans-transition-six-months-repression-meets-resilience>

Azizi, H., & van Veen, E. (2024, July 31). Blog series – Iran in transition: The Islamic Republic is no more while it lives on. Clingendael Institute.

<https://www.clingendael.org/publication/blog-series-iran-transition-islamic-republic-no-more-while-it-lives>

Azizi, H., & van Veen, E. (2025, March 31). Running out of road: Iran's strategic predicament. Clingendael Institute.

<https://www.clingendael.org/publication/running-out-road-irans-strategic-predicament>

Azizi, H., & van Veen, E. (2025, June 2). Iran's strategic loneliness: From regional overextension to regional embrace? Clingendael Institute.

<https://www.clingendael.org/publication/irans-strategic-loneliness-regional-overextension-regional-embrace>

Bokhari, K. (2024, April 23). Post-Khamenei Iran: The Future of Evolutionary Regime Change. New Lines Institute for Strategy and Policy.

<https://newlinesinstitute.org/political-systems/post-khamenei-iran-the-future-of-evolutionary-regime-change/>

Bokhari, K., & Itani, F. (2025, June 20). Real-Time Analysis: Accelerating Regime Evolution in Iran. New Lines Institute for Strategy and Policy.

<https://newlinesinstitute.org/region/iran/>

Bokhari, K., & Jaffery-Lindemulder, M. (2020, January 15). Iran is Long Past its Peak. New Lines Institute for Strategy and Policy.

<https://newlinesinstitute.org/state-resilience-fragility/political-economy/iran-is-long-past-its-peak/>

Freedom House. (2024). Freedom in the World 2024: The mounting damage of flawed elections and armed conflict.

https://freedomhouse.org/sites/default/files/202402-/FIW_2024_DigitalBooklet.pdf

Freedom House. (2025). Iran: Freedom in the World 2025 – Country Report.

<https://freedomhouse.org/country/iran/freedom-world/2025>

Ghods, M. (2023, May 24). Dark comedy or tragedy? The dire straits of Iran's economy. Clingendael Institute.

<https://www.clingendael.org/publication/dark-comedy-or-tragedy-dire-straits-irans-economy>

Seener, B. M. (2025, August 28). Regime Collapse in Iran: A Necessity for Regional Stability? The Henry Jackson Society.

<https://henryjacksonsociety.org/publications/regime-collapse-in-iran-a-necessity-for-regional-stability/>

Seener, B. M. (2025, September 8). Policy Briefing: Regional Influence after Iran? Preventing a Vacuum Following Regime Collapse. The Henry Jackson Society.

<https://henryjacksonsociety.org/publications/policy-briefing-regional-influence-after-iran-preventing-a-vacuum-following-regime-collapse/>

Seener, B. M. (2025, October 23). Hybrid Regimes and Political (Dis) Order Around the Globe. The Henry Jackson Society.

<https://henryjacksonsociety.org/publications/hybrid-regimes-and-political-disorder-around-the-globe/>

Sepehri Far, T. (2023, June 26). Unveiling resistance: The struggle for women's rights in Iran. Clingendael Institute.

<https://www.clingendael.org/publication/unveiling-resistance-struggle-womens-rights-iran>

Tharoor, I. (2025, February 28). In the age of Trump, global authoritarianism continues its advance. The Washington Post.

<https://www.washingtonpost.com/world/202528/02//authoritarianism-trump-freedom-house-democracy/>

The Washington Post. (2025, August 25). U.S. funding break imperils internet freedom projects in Iran. The Washington Post.

<https://www.washingtonpost.com/national-security/202525/08//state-department-iran-censorship-internet/>



تک‌نگاشت

جنگی در کار است که نه با موشک، که با واژه پیش می‌رود و سلاح اصلی آن، یک کلمه است که هر روز در رسانه‌های بیگانه تکرار می‌شود؛ «فروپاشی». یک ویروس مهندسی شده برای تزریق ناامیدی و فلج کردن اراده‌ی یک ملت و غصب «آینده»؛ دشمنی که از فروریختن دیوارهای مقاومت ایران ناتوان مانده، حال می‌خواهد «باور به ایستادن» را در ما فروبریزد. این تحلیل پرده از این عملیات دشمن در جنگ شناختی برمی‌دارد، معماران پشت صحنه آن را افشا می‌کند و نقشه راهی برای پس گرفتن مهم‌ترین میدان نبرد، یعنی «آینده» ارائه می‌دهد.

مرکز
مطالعات
راهبردی
تسنیم

تسنیم
خبرگزاری
Tasnim
News Agency